



اصطلاحات کریسمسی

+ ترجمه و مثال

اصطلاحات کریسمسی

یادگیری اصطلاحات در زبان انگلیسی اهمیت زیادی دارد. اصطلاحات، عباراتی هستند که معنای متفاوتی از معنای لغوی کلمات تشکیل دهنده آنها دارند. از آنجایی که از اصطلاحات در مکالمات و نوشته های روزمره بسیار استفاده می شود، یادگیری اصطلاحات به شما کمک می کند تا زبان انگلیسی را به طور طبیعی تر و روان تر صحبت کنید. همچنین به شما کمک می کند تا منظور دیگران را بهتر درک کنید و با فرهنگ انگلیسی زبانان بیشتر آشنا شوید.

1. "To have a white Christmas": آرزوی بارش برف در روز کریسمس

Example: "I really hope we have a white Christmas this year. It just doesn't feel the same without snow."

واقعاً امیدوارم که امسال در روز کریسمس برف بیارد. بدون برف حال و هوای خاصی ندارد.



2. "To be a Scrooge": تشررو، بی احساس

Example: "Don't be such a Scrooge! It's Christmas, let's enjoy ourselves and spread some cheer."

اینقدر بی احساس نباشید! ناسلامتی کریسمسه، بیاید لذت ببریم و شادی کنیم.

3. "To deck the halls": تزیین یا آراستن یک مکان با تزیینات جشنی

Example: "We spent the whole weekend decking the halls with lights, garlands, and ornaments."

تمام آخر هفته را صرف تزیین خانه با چراغها و گلها کردیم.

4. "To be as busy as Santa's elves": حسابی مشغول به کار بودن

Example: "During the holiday season, I am as busy as Santa's elves, trying to get everything done before Christmas."

من برای اینکه همه چیز را قبل از کریسمس انجام دهم، در فصل تعطیلات حسابی سرم شلوغه و مشغول هستم.

5. "To be as jolly as Santa Claus": شخصی را توصیف می کند که شاد، خوشحال و پر از روحیه جشنی است

Example: "She always has a smile on her face and is as jolly as Santa Claus during the Christmas season."

او همیشه لبخند بر لب دارد و در فصل کریسمس همیشه شاد و خوشحال سرزنده است."



6. "To be like a kid on Christmas morning": به کسی اشاره دارد که به شدت هیجان زده یا مشتاق به چیزی است

Example: "When she saw the presents under the tree, she was like a kid on Christmas morning."

وقتی هدایا را زیر درخت دید، حسابی هیجان زده شد.

7. "To give someone the gift of gab": توانایی گفتگوی آسان و روان به کسی دادن

Example: "She has the gift of gab and can keep everyone entertained at the Christmas party."

او قدرت گفتگوی بسیار بالایی دارد و می تواند همه را در مهمانی کریسمس سرگرم کند.

8. "To have sugarplums dancing in your head": داشتن افکار یا رویاهای خوش و شاد

Example: "The children went to bed with visions of sugarplums dancing in their heads, eagerly awaiting Christmas morning."

بچه‌ها با تصور رویاهای خوش به خواب رفتند و بمشتاقانه منتظر صبح کریسمس بودند.

9. "To be a Christmas cracker": کسی است که پرانرژی، پرهیجان و پراز سرگرمی است

Example: "She's always the life of the party, a real Christmas cracker."

او همیشه به مهمانی جان می‌دهد، پراز شور و نشاط و سرگرمی.

10. "To be as good as gold": رفتار خوب

Example: "The children were as good as gold during the Christmas dinner, sitting quietly and patiently."

بچه‌ها در طول شام شب کریسمس خیلی خوب رفتار کردند، و آرام و صبور نشسته بودند.



بسته جامع زبان پایه تا پیشرفته